

متن پرسش

سلام استاد طاهرزاده عزیز که دلخوشیمان شده ای در این ظلمات هم پیمانی نفس و شیاطینمان چرا وقتی بنده از ۱۸ سالگی هدفم مشخص، چشم انداز آینده ام در همه جوانب علمی معنوی اخلاقی مادی و... معین، راه و مسیرم مشخص امکانات فراهم، سلامتی در حد وفور، شرایط مهیا... چرا من سالیانی ست می ترسم از قدم برداشتن علمی و راهی نمی روم؟ چرا سالیانی ست چله هایم به چهار روز نمی رسد و استمرار ندارد؟ چرا سالیانی ست امروز و فردا می کنم؟ ریشه درجا زدن چیست؟ اساس بی تحرکی و تنبلی چیست؟ سوالم خلاصه: ریشه ترس و تسویف علمی؟ ریشه تنبلی و تسویف در امور معنوی؟ گفتن حاج آقا دعامون کنید آدم بشیم گویا مرحوم بهالدینی در جواب فرمود کسی به دعا کردن آدم نشد. با این وجود شما مرا دعا کنید. خدا را به حق علی و اولاد علی و بحق باب الحوائج موسی بن جعفر (ع) قسم میدم اگر بنا نیست درست بشم مرگم را زودتر برساند. گویا علامه طباطبایی به جهت تنبلی اوایل تحصیلش کلافه شده بود در بیابانی خارج از شهر نجف گفته بود «یا مرگ یا شوق درس خدایا»، که خداوند دومی را بهش عنایت کرد ما ۷۰ ساله داریم میگیریم «یا مرگ یا شوق بندگی» هیچکدوم مستجاب نمشه دعا بفرمایید در جهت همین دعایم. استاد بله یا مرگ یا آدم شدن و تحرک و پویایی و بندگی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نمی دانم از این شعر حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» چه می دانید که گفت: «طاعت نتوان کرد گناهی بکنیم / از مدرسه رو به خانقاهی بکنیم». حداقل بگذار این جور بفهمیم که زنده باد گناهکاری که در گناهکاری خود، خود را به رسمیت نمی شناسد! کم حرفی، نداشتن آرزوهای بلند دنیایی، نداشتن کینه به خلق عالم، و از همه مهم تر راضی بودن به آنچه خداوند عالم برای ما مقدر کرده، راههایی است که بهشت را در جلوی ما می گشاید. در آن حالت مگر می شود تنبلی و تسویف در زندگی ما میدان داری کند؟! موفق باشید